

## داستان ساخت تاق کسری و پندهای آن

۲۵ خرداد ۱۳۹۳ ساعت ۱۲:۰۲

در شاهنامه داستانی از ۱۵۰۰ سال پیش درباره ساخت تاق کسری آمده است زمانی که خسرو پرویز تصمیم گرفت کاخی بلند و درخور توجه بسازد، آگهی به تمام شهرهای ایران فرستادند تا بهترین کارگران داوطلب انجام این کار را گرد هم آورند. واژه ی "کارگر" در ایران باستان به معنای "معمار" امروزی استفاده میشده است زیرا "کار" به معنای قوس است و کارگر به کسی گفته می شود که بتواند قوس و تاق درست کند. ه جای واژه ی کارگر در معنای امروزی در ایران باستان از واژه ی "پیش کار" استفاده میشده است.

سه هزار معمار برجسته برای این کار داوطلب شدند و از میان آنان ، ۳۰ نفر و در پایان از بین آنها نیز ۳ نفر برگزیده شدند . دو رومی و یک پارسی . البته باید توجه داشت که واژه ی رومی در شاهنامه به معنای محل جغرافیایی کشور ایتالیای امروزی نیست ، بلکه این واژه به معنای آسیای صغیر بوده است . یعنی بخشی از غرب فلات ایران ، و محل زندگی اقوامی از نژاد آریا.

نکته درخور نگرش آن است که برنده ی مسابقه در انجمنی که امروز مصاحبه ی حضوری می نامند ، برگزیده شد :

گرانمایه رومی که بد هندسی به گفتار ، بگذشت ، از پارسی

خسرو پرویز به او چنین گفت که :

یکی کاخ خواهم که فرزند من همان تا بسی سال پیوند من

بدو در نشیند نگردد خراب ز باران و از برف و از آفتاب

"فرقان" که نام کارگر مورد نظر بود ، این امر را پذیرفت و شروع به کندن پی دیوارهای کاخ کرد . ژرفای پی دیوارها ۱۰ شاه رش بود که در اصطلاح ، به فاصله ی میان دو دست باز شده گفته می شود ، و کمتر از دو گز است و پهنای پی دیوارها نیز پیرامون ۱۰ متر بود . بعد از احداث دیوارها ، فرقان از خسرو پرویز تقاضا نمود تا ۴۰ روز به او مهلت دهد تا دیوارها نشست خود را بکنند . اما خسرو پرویز که برای نشستن در کاخ شتاب داشت ، این سخن را نپذیرفت. بنابراین فرقان از او تقاضا کرد تا بک استوار (معمد) را

با یک ریسمان ابریشمی تابیده همراه او کند . وی به همراه استوار ارتفاع دیوار را اندازه گرفت . شب شد و فرقان ناپدید گشت . گویی که هرگز در جهان نبوده است . هرچه گشتند او را نیافتند . بنابراین شاه دستور داد تا پیش کارانی را که همراه فرقان از شهر و آمده بودند ، به زندان ببندازند. سه سال به همین ترتیب گذشت و سرانجام فرقان دوباره ظاهر گشت . وی را نزد شاه بردند . شاه با عصبانیت علت ناپدید شدنش را پرسید . فرقان بیان داشت که چنانکه توضیح او را بشنوند ، به علت غیبت او پی خواهند برد و او را خواهند بخشید . وی گفت : به خاطر دارید که سه سال پیش به همراه یک استوار ارتفاع دیوارها را اندازه گرفتم . حال می خواهم با همان استوار و همان ریسمان تابیده ابریشمی ، دوباره ارتفاع دیوارها را اندازه بگیرم . این کار انجام شد و مشخص شد که ارتفاع دیوار به اندازه ۵ رش (نزدیک به ۲ متر) کم شده و به عبارت دیگر نشست کرده است . فرقان رو به خسرو کرد و گفت : چنانکه من سه سال پیش تاق را بر این دیوار می نهادم ، امروز دیگر دیوار و کاخی باقی نمانده بود

خسرو پرویز نیز با این استدلال ، از او راضی شد . کار ساخت کاخ تا ۷ سال ادامه پیدا کرد . گفته می شود در نمای این کاخ از زر و سیم بسیاری بهره گرفته بودند و کاخ از دور چون خورشیدی می درخشید.

آدرس مطلب :

<https://www.cafetari.kh.com/news/۲۷۱۵۷/پندهای-کسری-تاق-ساخت-داستان>